

مرداد یا امرداد؟ (نگاهی تازه به بحثی قدیمی)

پیشکش به سره مرد ایران، استاد میرجلال‌الدین کزازی

منوچهر فروزنده فرد^۱

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

کلمه اوستایی *amərətāt-* یا *amərətāt-* (بارتلمه^۲، ۱۹۰۴: ۱۴۳)^۳ از پیشوند منفی‌ساز *a-* و ماده *mərətāt-* به معنی «تباهی» (از ریشه *mar* «مردن») و در مجموع به معنی «فناناپذیری، بی‌مرگی» است. این واژه که نام یکی از امشاسپندان^۴ زردشتی است در فارسی میانه به صورت *Amurdād* (مکنزی، ۱۳۷۳: ۳۷؛ منصوری، ۱۳۹۴: ۴۱۴) در آمده‌است^۵ و در گاه‌شماری ایرانی نام پنجمین ماه سال و همچنین نام هفتمین روز ماه است. «امرداد» در فارسی نو با حذف هجای آغازین «ا» به صورت «مرداد» به کار رفته‌است؛ نمونه را:

1. manouchehr_forouzandeh@yahoo.com

2. Bartholomae

۳. ظاهراً اصل کلمه *amərətāt-* بوده و طی فرایند تقلیل/ واریزه/ حذف هجای همسان (*haplo(lo)gy*) تبدیل به *amərətāt-* شده‌است.

۴. امشاسپند (اوستایی) *aməša-spenta-* تحت‌اللفظی به معنی «مقدس/ سودبخش بی‌مرگ»؛ فارسی میانه: *amešāspand*, *(a)mahraspand* (یا هفت) ذات مقدس یا فرشته مقرب در گاه‌آه‌وره‌مزدا اطلاق می‌شود. اینان در اصل وجوه یا جنبه‌هایی از آه‌وره‌مزدا بوده‌اند که سپس تشخیص یافته‌اند. امشاسپندان شش‌گانه عبارت‌اند از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد (امشاسپند هفتم را خود آه‌وره‌مزدا یا یزد سروش یا سپند مینو دانسته‌اند؛ نک. آموزگار، ۱۳۹۱: ۱۵ و همچنین سنج. بیت منقول از ادیب‌الممالک در متن نوشتار حاضر). درباره مفهوم «امشاسپند» همچنین نک. بویس، ۱۹۸۵ الف.

۵. البته بهتر است - مانند بویس، ۱۹۸۵ ب - با توجه به حرف‌نویسی *m(w)rdt'* واج‌نویسی احتیاط‌آمیز *Amurdād* را برای این واژه در نظر بگیریم (نوبرگ (Nyberg)، ۱۹۷۴ این کلمه را *Amurdāt* ضبط کرده‌است). شایان یادآوری است که برخی معتقدند کلمات «هاروت» و «ماروت» در قرآن کریم (بقره: ۱۰۲) برگرفته از نام دو امشاسپند «خرداد» و «(ا)مرداد» هستند (نک. جفری، ۱۳۸۶: ۳۸۹-۳۹۱؛ بویس (Boyce)، ۱۹۸۵: ب: ۹۹۸).

۶. ظاهراً حذف «ا» آغازی علاوه بر قاعده کلی در این مورد خاص تحت تأثیر باهمایی (یعنی همراهی با «خرداد») نیز بوده‌است. حذف هجای «ا» آغازی در تحول از فارسی میانه به فارسی نو فرایندی پربسامد است. البته «ا»ی حذف‌شده معمولاً پیشوند منفی‌ساز نیست و جزئی از خود کلمه است، مانند تبدیل *abāg* به «با» و تبدیل *abar* به «بر». در مواردی چون *anāhīd* هم که در فارسی به «ناهِید» تبدیل شده، باز هم *-an* در دوره میانه پیشوند نیست (زیرا *āhīd* نداریم) و ضمناً به هر حال جزئی از پیشوند *-an* یعنی *-n* در «ناهِید» باقی مانده‌است. بر این اساس قیاس این‌گونه کلمات با امرداد/مرداد صحیح نمی‌نماید.

الف) به معنی ای نزدیک به معنی لغوی اش یعنی «نامیرا» (ضمن اینکه به قرینه «خرداد» و دیگر امشاسپندانی که در ابیات پیشین آمده‌اند، به امشاسپند «مرداد» هم اشاره دارد):

ز خرداد باش از بروبوم شاد / تن چارپایانت **مرداد** باد (فردوسی، ۱۳۷۱: ۳۵۹)

ب) به معنی یکی از امشاسپندان:

که بوی خوش و نغز اندر جهان / ز خرداد و **مرداد** باشد بدان (داراب هرمزدیار، ۱۹۲۲: ۲ / ۱۷۰)

پ) به معنی هفتمین روز ماه:

روز **مرداد** مژده داد بدان / که جهان شد به طبع باز جوان (مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۴: ۹۴۶)

ت) به معنی پنجمین ماه سال:

اگر کسی به سپندارمذ نپاشد تخم / گدای خرمن دیگر کسان بود **مرداد** (سعدی، ۱۳۸۹: ۷۶۲)

شواهد معنی اخیر در متون کهن بسیار است و در فارسی امروز نیز عامه فارسی‌زبانان صرفاً همین معنا را از این کلمه درمی‌یابند.

اما صورت «امرداد» نیز در فارسی نو به کار رفته‌است. کهن‌ترین شاهدی که برای این گونه واژگانی در پیکره گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ثبت شده متعلق به قرن هفتم است:

چو گفتار خردادش آمد به سر / همانکه **امرداد** شد پیشتر (زراتشت‌نامه، ۱۳۳۸: ۴۶)

این واژه را در متنی از قرن نهم یعنی تاریخ قم نیز می‌یابیم:

پس آن هر دو برادر در این هر دو سرای نزول کردند روز اردی‌بهشت ماه **امرداد**. (قمی، ۱۳۱۳: ۲۴۴)

و سرانجام در قرن یازدهم شاهد کاربرد این گونه واژگانی در جهانگیرنامه هستیم:

در روز پنجشنبه بیست‌ویکم **امرداد** تسبیح نموده به قصد شکار به کشتی سوار شده متوجه موضع سمونگر که از شکارگاه‌های مقرر من است گشتم. (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۱۴۱؛ همچنین نک.

همان: ۱۱۴، ۱۴۰، ۲۶۷، ۱۵۱، ۳۱۰)

شواهد دیگر این واژه عمدتاً متأخرند از جمله بیت زیر از ادیب‌الممالک فراهانی:

در اوستا نام هفت امشاسپندان خدای / شد اهوره‌مزده، آنکه وهمن و اردیبهشت

از پس شهریور، اسپندارمذ، خرداد دان/ پس **امرداد** است کس بی‌مرگی آمد سرنوشت
(ادیب‌الممالک فراهانی، ۱۳۸۴: ۲/۱۰۸۳)^۱

این گونه واژگانی که هنوز در گویش بهدینان کرمان به صورت **amordādru** [= امردادروز] و در گویش
بهدینان یزد به صورت **emerdowdru** [= امردادروز] (سروشیان، ۱۳۸۳: ۱۰) زنده است، در دوران معاصر به
نوشتار برخی فضیلا آشنا با زبان‌های باستانی (مانند پورداوود) و از نوشتار ایشان (یا به‌واسطه مطالعه مستقیم
زبان‌های باستانی) به فرهنگ‌های فارسی راه یافته‌است. کلمه «امرداد»، البته بدون شاهد، در فرهنگ‌های معتبر
زبان فارسی معاصر ضبط شده‌است. از جمله این فرهنگ‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: فرهنگ نفیسی
(نفیسی، ۱۳۵۵) [مدخل اصلی]، لغت‌نامه (دهخدا، ۱۳۷۷) [مدخل اصلی]، فرهنگ فارسی (معین، ۱۳۸۸) [مدخل
اصلی]، فرهنگ معاصر فارسی (صدری‌افشار و همکاران، ۱۳۸۱) [مدخل ارجاعی]، فرهنگ بزرگ سخن
(انوری، ۱۳۸۱) [مدخل ارجاعی]، فرهنگ عمید (عمید، ۱۳۷۹) [مدخل اصلی]، دایرة‌المعارف فارسی (مصاحب،
۱۳۸۰) [مدخل اصلی] و فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن دوست، ۱۳۹۳) [مدخل اصلی].

توجه به صورت «امرداد» و معنی اصلی آن باعث شد برخی در کاربرد آن افراط کنند و با این استدلال که
«امرداد» به معنی «میرا»ست آن را به کناری نهند و همواره «امرداد» را جانشین آن سازند. از جمله این فضیلا
می‌توان به نفیسی اشاره کرد که ضمن تأیید صورت «امرداد» می‌نویسد: «من خودم همیشه در نوشتن و گفتن از
استعمال کلمه «امرداد» احتراز می‌کنم» (نفیسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

در مقابل برخی از ادبا و زبان‌شناسان با این استدلال که «امرداد» در متون معتبر فارسی به کار نرفته آن را مطلقاً
نادرست دانستند و حتی وحید دستگردی به طنز سرود:

۱. تنها شواهدی که پیش‌تر برای واژه «امرداد» در منابع عرضه شده بود، این ابیات بود:

هر آن کس که دارد به گیتی سپاس / چنان دان که باشد همان حق‌شناس

بداند همه داد خرداد را / دگر گویم از داد امرداد را

که از داد امرداد باشد جهان / نباید کنم کارها را نهان (داراب هرمزدیار، ۱۹۲۲: ۲/۱۷۰)

در همین صفحه از روایات داراب هرمزدیار در عنوان متن نیز «امرداد» آمده و البته چندین بار گونه «مرداد» نیز دیده می‌شود. محیط

طباطبایی (۱۳۴۵ الف) کاربرد «امرداد» را در این دو بیت از تصرفات کاتب گجراتی می‌داند اما چنانکه دیدیم «امرداد» هنوز در

گویش زردشتیان کرمان زنده است و عجیب نیست که سراینده زردشتی و کرمانی این ابیات صورت «امرداد» را به کار برده باشد.

البته با توجه به شواهد صریحی که در متن آورده‌ایم لزومی به استناد به این ابیات نیست. برای مشاهده آرای محیط طباطبایی درباره

«امرداد» همچنین نک. همو، ۱۳۴۵. ب.

پس عجب نیست اگر شعر بدل گشت به معر / اندر آن ملک که مرداد امرداد شود
باش تا بهمن ابهمن شود و تیر اتیر / دی ادی گردد و خرداد اخرداد شود! (نک. محیط طباطبایی، ۱۳۴۵
الف: ۲۱۱)^۱

از این افراط و تفریط‌ها که بگذریم به دیدگاه‌های ادبا و زبان‌شناسان معتدلی چون نجفی می‌رسیم. وی
می‌نویسد:

مُرداد: به معنای «ماه پنجم سال شمسی». بعضی از سره‌نویسان این کلمه را که در اوستایی به معنی
«میرا»ست غلط می‌دانند و توصیه می‌کنند که به جای آن اُمرداد به معنی «نامیرا» گفته شود (پیشوند «آ»
در زبان‌های باستانی ایران دلالت بر سلب و نفی می‌کند). ولی علاوه بر اینکه امروزه تمایز معنایی میان
مرداد و امرداد از میان رفته و برای عامه فارسی‌زبانان مطلقاً ناآشنا شده‌است، واژه مرداد از قدیم در
متون نظم و نثر فارسی به همین معنای امروزه مصطلح بوده‌است و دلیلی نیست که کلمه رایجی را تغییر
دهیم به صرف آنکه زمانی معنای ناخوشایند داشته‌است (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۴۵).^۲

نگارنده درباره‌ی درست بودن صورت «مرداد» و اینکه نمی‌توان «مرداد» را با این استدلال که به معنی «میرا»ست
تبدیل به «امرداد» کرد کاملاً با نجفی موافق است اما صورت «امرداد» را نیز به دلایل زیر درست می‌داند:
نخست) کاربرد این کلمه در متونی چون *زراتشت‌نامه*، *تاریخ قم*، *جهانگیرنامه* و ...؛

دوم) کاربرد آن در نثر فضایی چون *پورداوود* و *نفیسی*؛

سوم) ضبط آن در فرهنگ‌های معتبر فارسی (ولو بدون شاهد)، زیرا به لحاظ زبان‌شناختی «همه‌واژه‌های متداول
امروز که در فرهنگی مانند فرهنگ معاصر فارسی امروز ضبط شده‌اند فارسی محسوب می‌شوند به‌جز واژه‌های
اروپایی» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)؛

۱. این ابیات و مأخذ آنها را سال‌ها پیش دکتر علی جلالی به نگارنده یادآوری فرمودند. از ایشان سپاسگزارم.

۲. میلانیان (۱۳۵۱: ۲۸)، باطنی (۱۳۸۵: ۵۰) و برومند سعید (۱۳۸۳: ۳۱-۳۲) نیز با نجفی هم‌رای‌اند و جالب است که، به گواهی
کتاب *غلط‌نویسیم از چاپ اول تا ویراست دوم* (طیب‌زاده، ۱۳۹۶)، از میان نقدهایی که بر چاپ اول *غلط‌نویسیم* نوشته شده
هیچ‌کس با نظر نجفی در این باره مخالفتی نداشته‌است. البته بر نوشتار نجفی چند نکته می‌توان گرفت: نخست اینکه استعمال
«امرداد» مختص سره‌نویسان نیست و چنانکه دیدیم نفیسی و کسان دیگری که اعتقادی به سره‌نویسی نداشته‌اند نیز این کلمه را به
کار برده‌اند. دوم اینکه معنی اصلی امرداد «نامیرا» (صفت) نیست بلکه «نامیرایی» (اسم) است (البته چنانکه دیدیم «مرداد» در
شاهنامه به معنی «نامیرا» (صفت) به کار رفته‌است). سوم اینکه کلمه «مرداد» هیچ‌گاه معنی ناخوشایندی نداشته و هرگز در هیچ متنی
به معنی «میرا» به کار نرفته‌است.

چهارم) کاربرد آن در متون فارسی میانه / پهلوی؛ در این باره باید توضیحی افزود: اگر مثلاً فردوسی صورت «امرداد» را به کار برده بود قطعاً امروزه هیچ کس در فارسی بودن و درستی این کلمه تردیدی نداشت، زیرا بر اساس ملاک‌های نجفی اگر کلمه یا عبارتی فقط در زبان کهن به کار رفته باشد «صحیح اما منسوخ است و در صورت ضرورت امروز نیز می‌توان آن را به کار برد» (نجفی، ۱۳۹۰: شش). حال پرسش اینجاست که چگونه اگر این کلمه هزار سال پیش مثلاً در شعر فردوسی (سده ۴ و ۵ هجری) به کار رفته باشد امروز نیز می‌توان آن را به کار برد، اما اگر در بندهش که ظاهراً در حدود هزار و صد سال پیش (سده سوم هجری) تدوین شده (نک. تفضلی، ۱۳۹۳: ۱۴۱) به کار رفته باشد نمی‌توان امروز آن را به کار برد؟ به گمان این نگارنده نباید زبان کهن را تنها به آثار فارسی محدود دانست و آن را می‌توان حداقل تا آثار فارسی میانه عقب برد. بر این اساس کلمه «امرداد» که در متون پهلوی ای چون بندهش (برای دیگر شواهد این کلمه در متون پهلوی نک. بویس، ۱۹۸۵: ۹۹۸؛ منصوری، ۱۳۹۴: ۴۱۴) به کار رفته با این استدلال نیز «فارسی» و «درست» است.

پنجم) کاربرد آن در گویش بهدینان و گفتار و نوشتار زردشتیان و سره‌گرایان و پژوهشگران زبان‌های باستانی و حتی وجود هفته‌نامه و تارنمایی به نام «امرداد».

حتی اگر صورت «امرداد» در هیچ‌یک از متون و فرهنگ‌ها ضبط نشده‌بود و در گفتار و نوشتار نیز چندان رایج نبود باز به دلایلی می‌توانستیم آن را «درست» بدانیم و اگر فضایی مخالف کاربرد این واژه را نتوان به سبب بی‌اطلاعی از شواهدی که برشمردیم ملامت کرد، بر اساس بی‌وجهی به این موارد می‌توان بر آنها خرده گرفت:

نخست) تصویب مجلس و برنامه‌ریزی زبان: کاربرد ماه‌های شمسی به صورت «فروردین، اردیبهشت، خرداد ...» در واقع حاصل برنامه‌ریزی زبان است. می‌دانیم که در یازدهم فروردین ۱۳۰۴ با تصویب مجلس شورای ملی گاه‌شماری خورشیدی و نام‌های فارسی ماه‌ها در ایران رسمی گردید (پورداوود، ۱۳۲۶: ۵۲). مطابق تصویب مجلس شورای ملی نام ماه پنجم «امرداد» است (نک. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی). بر این اساس صورت «امرداد» پشتوانه قانونی دارد و حتی اعتبار قانونی‌اش از واژه‌های مصوب فرهنگستان بیشتر است. هنگامی که واژه‌های ساختگی ای چون «ارتش» (درباره این واژه نک. پورداوود، ۱۳۳۱) به واسطه تصویب فرهنگستان

رواج می‌یابد، چه اشکالی دارد واژه صحیحی چون «امرداد» نیز که مصوب مجلس شورای ملی هم هست در فارسی امروز به کار رود؟

دوم) گونه‌های واژگانی: «امرداد» گونه‌ای از واژه «مرداد» است و واژه جدیدی نیست که نیاز به این همه موضع‌گیری داشته‌باشد. اگر به غلط ننویسیم یا کتب مشابه نگاهی بیفکنیم می‌بینیم که معمولاً وقتی سخن از انتخاب بین دو گونه واژگانی است کمتر به سختگیری‌هایی از نوع «امرداد» برمی‌خوریم. مثلاً نجفی کاربرد «آبان» به جای «آبان» را تنها با یک شاهد از ابونصر فراهی درست دانسته‌است (نجفی، ۱۳۹۰: ۱-۲).^۱ البته می‌دانیم که زبان معیار بیشتر گرایش دارد که از میان چند گونه زبانی یکی از آنها را برگزیند اما نباید صورت غیرمعیار را نیز لزوماً «نادرست» پنداشت.

سوم) وام‌گیری تاریخی: حتی اگر هیچ‌یک از دلایل فوق نتواند کاربرد «امرداد» را توجیه کند، به راحتی می‌توان در فارسی امروز آن را به صورت وام‌واژه‌ای تاریخی از زبان فارسی میانه پذیرفت. هنگامی که نام‌های خاصی چون «آریا» و «آناهیتا»^۲ را - به واسطه و با تلفظی تحت تأثیر زبان‌های خارجی (نک. صادقی، ۱۳۹۲: ذیل «آریا» و «آناهیتا») - از زبان‌های باستانی خود وام گرفته‌ایم، چه اشکالی دارد که واژه «امرداد» را هم به‌عنوان نام خاص یکی از ماه‌ها - و البته بدون تأثیرپذیری از تلفظ خارجی - به‌عنوان وام‌واژه‌ای از تاریخ زبان خود بپذیریم؟

منابع

الف) چاپی

- قرآن کریم.

- آموزگار، ژاله (۱۳۹۱). *تاریخ اساطیری ایران*. ج ۱۳. تهران: سمت.

- ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق (۱۳۸۴). *زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی*. به کوشش علی موسوی گرم‌رودی. ج ۲. تهران: قدیانی.

- انوری، حسن (۱۳۸۱) [سرپرست]. *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۸. تهران: سخن.

۱. برای شواهد دیگر «آبان» نک. صادقی، ۱۳۹۵: ۲۲.

۲. البته برخی ادبای سختگیر حتی با همین نام‌ها هم مخالفت می‌ورزند. مثلاً فرشیدورد معتقد بود که این گونه نام‌ها ساخت فارسی امروزی ندارند و به کلمات فرنگی بیشتر شبیه‌اند تا فارسی. وی پیشنهاد می‌کرد برای نمونه به جای «میترا» نام «مهری» را بر دختران بگذارند (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۷۲).

- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵). نگاهی تازه به دستور زبان. چ ۱۲. تهران: آگه.
- برومند سعید، جواد (۱۳۸۳). ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۶). «نام‌های دوازده ماه». فرهنگ ایران باستان. تهران: چاپخانه پاکتچی. ص ۵۲-۸۴.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۳۱). «ارتشتار». هرمزنامه. تهران: نشریه انجمن ایران‌شناسی. ص ۲۷۵-۲۸۶.
- تفضلی، احمد (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. چ ۷. تهران: سخن.
- جفری، آرتور (۱۳۸۶). واژه‌های دخیل در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. ویرایش جدید. تهران: توس.
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد (۱۳۵۹). جهانگیرنامه (توزک جهانگیری). به کوشش محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. ج ۵. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- داراب هرمزدیار (۱۹۲۲). روایات داراب هرمزدیار. به اهتمام مانک رستم اون‌والا. ج ۲. بمبئی.
- زراتشت‌نامه (۱۳۳۸). به کوشش سید محمد دبیرسیاقی از روی نسخه مصحح فردریک روزنبرگ. تهران: طهوری.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. ج ۱۵. تهران: دانشگاه تهران.
- سروشیان، جمشید سروش (۱۳۸۳). فرهنگ بهدینان. چ ۴. تهران: دانشگاه تهران.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۹). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. ویراسته بهاءالدین خرمشاهی. چ ۱۵. تهران: امیرکبیر.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۲) [زیر نظر]. فرهنگ جامع زبان فارسی. ج ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۵) [زیر نظر]. فرهنگ جامع زبان فارسی. ج ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صدری‌افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معاصر. چ ۳. تهران: فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۵). «چه واژه‌ای فارسی است؟». نامه فرهنگستان، س ۸، ش ۴ (پیاپی ۳۲)، ص ۱۱۸-۱۲۲.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۶). غلط‌نویسیم از چاپ اول تا ویراست دوم. تهران: کتاب بهار.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید. ج ۲. چ ۲۱. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر سوم. کالیفرنیا و نیویورک: مزدا.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷). مسأله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی. تهران: سخن.

- قمی، حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک (۱۳۱۳) [مترجم]. کتاب تاریخ قم. نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی. به کوشش جلال‌الدین طهرانی. تهران: مطبوعه مجلس.
- محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۴۵ الف). «از مرداد تا مرداد». یغما، س ۱۹، ش ۴ (پیاپی ۲۱۶)، ص ۲۰۳-۲۱۱.
- محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۴۵ ب). «مرداد است نه مرداد!». ارمغان، س ۳۵، ش ۴.
- مسعود سعد سلمان (۱۳۶۴). دیوان اشعار مسعود سعد. به اهتمام و تصحیح مهدی نوریان. ۲ ج. اصفهان: کمال.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) [سرپرست]. دایرةالمعارف فارسی. ۲ ج. ۲. تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. ۶ ج. ۲۶. تهران: امیرکبیر.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصوری، یدالله (۱۳۹۴). فرهنگ زبان پهلوی. جلد نخست: A-Ā. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- میلانیان، هرمز (۱۳۵۱). گسترش و تقویت فرهنگی زبان فارسی. تهران: کاویان.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۰). غلط نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی. ۱۶ ج. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۶). در مکتب استاد. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: اساطیر.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. ۵ ج. تهران: خیام.
- Bartholomae, Christian (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg: Karl J. Trübner.
- Boyce, Mary (1985a). "Aməša Spənta". *Encyclopædia Iranica*, Vol. I, pp. 933-936.
- Boyce, Mary (1985b). "Amurdād". *Encyclopædia Iranica*, Vol. I, pp. 997-998.
- Nyberg, Henrik Samuel (1974). *A Manual of Pahlavi*. Wiesbaden. Vol. II

ب) غیر چاپی

- پیکره گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه سه‌شنبه یازدهم فروردین ۱۳۰۴.
- / جلسه-۱۴۸-صورت-مشروح-مجلس-لیله-https://www.ical.ir/ical/fa/Content/4_artmajles1
- سه‌شنبه-یازدهم-فروردین-۱۳۰۴-مطابق-ششم-شهر-رمضان‌المبارک-۱۳۴۳